

بهارستان سخن (فصلنامه علمی-پژوهشی ادبیات فارسی) سال دهم / شماره ۲۴ / زمستان ۹۲ / ۱۹۷

## معرفی نسخه خطی «روضه هفتم ریاض الجنّة»

از میرزا محمد حسن زنوزی خویی

دکتر سعیدالله قره بگلو<sup>۱</sup>

دکتر علی دهقان<sup>۲</sup>

نجیبه هنرور<sup>۳</sup>

### چکیده

یکی از راه‌های مهم شناخت پیشینه فرهنگی و وضعیت فکری، علمی، ادبی و زبانی گذشتگان، شناخت آثار مکتوب آنهاست. با تصحیح و احیای هر یک از آثار که به صورت نسخه خطی در کنج کتابخانه‌ها مهجور مانده‌اند، می‌توان به شناختی دقیق و قضاوتی صحیح در باره پیشینه فرهنگ و ادب ایران رسید. کتاب ریاض الجنّة، دایرة المعارف بسیار مفیدی است که گذشته ازارزش ادبی و فواید رجالی، اوضاع اجتماعی و سیاسی خوی در زمان حیات مؤلف نیز در آن ثبت شده است. مؤلف این کتاب برای تألیف آن چندین هزار جلد کتاب مطالعه کرده است. این اثر دارای هشت روزه می‌باشد. روضه هفتم ریاض الجنّة، شرح حال وزرا و امرا و برخی خوشنویسان است که نگارنده، تصحیح کرده است. با توجه به اهمیّت تاریخی و ادبی ریاض الجنّة، در این مقاله، ضمن معرفی نویسنده و اثرش و بیان ویژگی‌های این نسخه خطی، بر احیاء و تصحیح و نشر یکی از موارث ادبی کشور تأکید شده است.

### کلید واژه‌ها:

ریاض الجنّة، میرزا حسن زنوزی خویی، نسخه خطی، تصحیح انتقادی.

<sup>۱</sup> - عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تبریز، گروه زبان و ادبیات فارسی، تبریز، ایران

<sup>۲</sup> - عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تبریز، گروه زبان و ادبیات فارسی، تبریز، ایران

<sup>۳</sup> - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز

## مقدمه

آثار مکتوب گذشتگان، حکم حلقه‌ای از زنجیره تمدن و فرهنگ ما را دارند، درجه اعتبار این آثار نسبت به آثار دیگر بالاتر است؛ از این رو، با بهره‌گیری از آنها می‌توان، آداب و رسوم و آیین و ادبیات گذشتگان را بررسی کرد و به شناختی دقیق و قضاوتی صحیح در باره پیشینه فرهنگ و ادب ایران رسید. با تصحیحی دقیق و متفدانه و احیای آثار گذشتگان و باز گرداندن هر یک از آثاری که به صورت نسخه خطی در گوشه کتابخانه‌ها مهجور مانده‌اند، می‌توان زنجیره تمدن و فرهنگ ایران را کامل کرد. در حوزه زبان و ادبیات فارسی، ضرورت پرداختن به چنین کارهای علمی، بیشتر احساس می‌شود؛ زیرا هر نوشته‌ای قسمتی از تاریخ زبان و ادبیات و فرهنگ ملی ما را نشان می‌دهد. روضه هفتم ریاض الجنه زنوزی از نسخه‌های خطی دوره قاجار است که تاکنون تصحیح نشده است و تصحیح و چاپ آن می‌تواند ما را با ویژگی‌های ادبی و زبانی و فکری نثر این دوره و فضای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی زمان نویسنده و روندهای اساسی مذهبی، دینی این دوره آشنا سازد.

## احوال میرزا محمد حسن زنوزی خویی:

«میرزا محمد حسن زنوزی خویی، عالم و ادیب و متکلم، فرزند حاجی میرزا عبدالرسول، از سادات زنوز است». (ریاحی، ۱۳۷۲: ۲۵۲) «اجداد وی از علما و فضیلاي عصر خود بودند که از زمان حکومت صفویه در زنوز و خوی سکونت داشته‌اند. میرزا محمد حسن زنوزی، خود وی شجره نامه خانوادگی خویش را که با ۲۴ واسطه به حضرت امیر المؤمنین علی (ع) می‌رسد، به رشته تحریر در آورده است». (رفیعی، ۱۳۷۰: ۲۱) «به تصریح خود مؤلف در روضه چهارم ریاض الجنه، پس از گذشت ۸ ساعت از روز شنبه ۱۸ ماه صفر ۱۱۷۲ هـ ق در شهرستان خوی زاده شد.» (نسخه آیه الله مرعشی: ۵۷۹؛ نسخه تبریز: ۸۸۳) «میرزا حسن فردی پرکار بود و علاوه بر تألیفات و اشتغالات دیگر اجتماعی که داشته، قضاوت در شهر خوی و سلماس، استنساخ کتب، از جمله کتاب‌های الاربعینات قاضی سعید قمی، که نسخه‌ای

بهارستان سخن (فصلنامه علمی-پژوهشی ادبیات فارسی) سال دهم / شماره ۲۴ / زمستان ۹۲ / ۱۹۹

از آن در کتابخانه شخصی مرحوم مشکاة بوده و بعداً به دانشگاه تهران منتقل شده است و کتاب امل الآمال شیخ حرّعاملی که نسخه‌ای از آن در کتابخانه عباس اقبال در تهران وجود داشته، مشغول بوده است.

وی در شعر و شاعری نیز از قریحه ای لطیف و نازک برخوردار بود و به زبان‌های ترکی، فارسی و عربی شعر می‌سرود؛ خودش در صفحه ۵۷۹ نسخه مرعشی نجفی ریاض الجنّة می‌گوید که: در اوایل شباب گهگاهی به فکر سرودن شعر فارسی و عربی می‌افتاده است؛ او در سرودن شعر به فانی تخلص داشته است.

«مرحوم نخجوانی نوشته است که: وی پس از بازگشت از اصفهان به زنوز رفته است و تا آخر عمر در قصبه زنوز بوده است و بالاخره در ۱۲۱۸ق در چهل و شش سالگی به رحمت ایزدی پیوسته و در همان جا در مقبره خانوادگی خویش به خاک سپرده شده است» (نخجوانی، ۱۳۴۳: ۱۰۸-۱۰۷)

میرزا حسن زنوزی دارای آثار بزرگی است که در طی سال‌ها مطالعه و تلاش مستمر تألیف کرده است، برخی از آثار ایشان که در منابع مختلف از آنها نام برده شده، عبارتند از:

۱. بحر العلوم یا دوائر العلوم؛ مشتمل بر یک سفینه، هفت بحر و یک ساحل است که مباحث آن در باره علوم متفرقه ادبیات، تاریخ، حکایات و قصص، امثال و وقایع مهمه و قسمتی از تاریخ خوی و دنباله حاکم بر خوی است. در انشای آن تفنّن بسیاری به کار برده و با کلمات فصیحی عرب و عجم آرایش داده است. (مدرّس، ۱۳۶۹، ج ۲: ۳۸۹) «وی این کتاب را در ۱۲۰۹ق به پایان برده است و آن را به نام حسین قلی خان دنبلی موشح کرده است و در دیباچه آن، وی را مدح و ستایش بسیار کرده است؛

۲. رساله ادعیه بعضی آفات و بلیات؛

۳. زبده الاعمال به عربی در ادعیه و آداب است. این کتاب را در خوی نوشته و در سال ۱۲۱۳ق به پایان برده است؛

۴. روضه الآمال که ترجمه کتاب دیگر او به نام زبده الاعمال است که آن را برای فارسی زبانان ترجمه کرده است؛

۵. ریاض مصائب الأبرار؛
۶. شرح الاستبصار در چند مجلد؛
۷. المحفزة فی الفنون المختلفة؛
۸. وسیلة النجاة در اوراد وادعیه و اخلاق و مواعظ و ذکر مصائب معصومین علیهم السلام که به نام فتح علی شاه قاجار نوشته و آن را بر یک مقدمه و پنج باب و یک خاتمه، مرتب نموده است. (رفیعی، ۱۳۷۰: ۴۲-۴۳)
- هیچ کدام از این کتابها به چاپ نرسیده است.
۹. دیوان اشعار وی را که شامل ۵۵۶۴ بیت است، دکتر شهریار حسن زاده، تصحیح کرده و با عنوان «دیوان فانی خویی، موسوم به گنج الله» در سال ۱۳۹۰ به چاپ رسانیده است.
۱۰. ریاض الجنّة، تفصیل مطالب مختصر کتاب بحر العلوم است. این دو کتاب، دایرة المعارف بسیار مفیدی هستند که گذشته از فواید رجالی، اوضاع اجتماعی و سیاسی خوی در زمان حیات مؤلف نیز در آن ثبت شده است. (همان: ۴۳)

### معرفی ریاض الجنّة:

#### الف. چگونگی تألیف کتاب:

«زنوزی به توصیه حسین قلی خان، فرمانروای شهر خوی و سلماس و توابع، همت به تألیف این کتاب گماشت و پس از ورود نائب السلطنه، عباس میرزا، پسر فتح علی شاه قاجار به شهر خوی، آن را به پایان رسانید و به نام فتح علی شاه موشح ساخت. کتاب در حدود ۱۲۱۶ق و یا اندکی پس از آن به اتمام رسید» (صفوت، ۱۳۷۶: ۱۸۹)

میرزا حسن در آخر روضه هشتم، صفحات ۱۱۴۰-۱۱۳۹ از نسخه تبریز، در مورد تألیف این کتاب، چنین نوشته است: هنگامی که تألیف و تنظیم و توصیف این کتاب لطیف به عهده این عبد ضعیف صادر گردید، شروع به جمع و ترتیب این مجموعه نمودم و قدری از اوایل کتاب از کتم عدم به وجود رسیده بود که در خلال این حال قضیه هالیه وفات بندگان خان خلد منزل و ممدوح فردوس اتفاق افتاد، از این رو مدتی تألیف آن به تأخیر افتاد، اما پس از

ورود نائب السلطنه عباس میرزا پسر فتح علی شاه قاجار به شهرخوی به اتمام و اکمال تتمه این کتاب اقدام شد و در اندک مدتی به اختتام رسید.

« کتاب ریاض الجنه قبل از این که چاپ و منتشر شود، به صورت نسخه خطی مورد استفاده مورخان و دانشمندان قرار گرفته است؛ از جمله: محمد علی مدرس در کتاب المحافل و مهدی بامداد در کتاب شرح حال رجال ایران و محمد دیهیم در کتاب تذکره شعرای آذربایجان». (رفیعی، ۱۳۷۰: ۴۵)

« زنوزی برای تألیف این کتاب چندین هزار جلد کتاب دیده، مطالعه کرده، از آنها یادداشت و فیش برداری کرده، شب‌های زیادی بی‌خوابی کشیده و استراحت نکرده، حتی در خلال مسافرت‌ها نیز از این کار غافل نبوده تا بالاخره تألیف چنین کار مهمی به انجام رسیده است. بدیهی است در اثر جودت ذهن و میل سرشاری که به مطالعه و تواریخ داشته، توفیق این مهم را یافته است و می‌توان ادعا کرد که این کتاب نتیجه عمر مؤلف آن می‌باشد». (نخجوانی، ۱۳۴۳: ۱۰۵)

#### ب. محتوای کتاب:

« این کتاب دارای یک مقدمه و هشت روضه و یک خاتمه است که مؤلف در مقدمه کتاب، محتویات و مطالب روضه‌های هشت‌گانه را به شرح زیر ذکر کرده است:

- روضه اول در توحید و شرح حال حضرت رسول اکرم (ص) و ائمه اطهار(ع) و مطالبی در مورد بیت المقدس، بیت الحرام، مکه، مدینه، مشهد، سامرا، کاظمین، کربلا، نجف، طوس و قم و مکان‌هایی است که فرزندان ائمه اطهار در آن جاها مدفون هستند.

- روضه دوم در ذکر ذوات شریره و شیاطین خبیثه و دشمنان پیامبران و رسول اکرم (ص) و ائمه اطهار(ع) و شرح حال برخی از علمای بزرگ اهل سنت از مجتهدین ثمانیه و مصنفان صحاح سته است.

- روضه سوم در مورد خلقت عالم و موجودات، معنی عرش و کرسی و حاملان عرش، ذکر افلاک، خلقت ملائکه، جن و انس، آدم و حوا، شماره انبیاء و در شرح هفت اقلیم است.

- روضه چهارم در شرح حال علما، عرفا، حکمای اسلامی، تألیفات آنها و شرح حال برخی از فلاسفه و حکمای پیش از اسلام است.

- روضه پنجم در شرح حال ادبا و شعرا که آن را به دو بخش شعرای عرب و شعرای عجم تقسیم کرده است.

- روضه ششم در باره شرح حال مشاهیر پادشاهان و طبقات سلاطین پیش از ظهور اسلام و بعد از آن است.

- روضه هفتم در ذکر مشاهیر وزرا و امرا و برخی از خوشنویسان است.

- هشتم در بیان نوادر حکایات و لطایف روایات و طرائف و بدایع و برخی از اصطلاحات علوم و بیان معماها و مسائل متفرقه دیگر است « (همان: ۴۶)

روضه‌های اول تا سوم ریاض الجنه که در اصول اعتقادی است، هنوز تصحیح نشده‌اند. روضه چهارم ریاض الجنه، زیر نظر مکتب آیه الله العظمی مرعشی نجفی به تحقیق علی رفیعی چاپ شده است. روضه پنجم آن هم توسط فضله حیدری به عنوان پایان نامه کارشناسی ارشد با راهنمایی دکتر اسدالله واحد تصحیح شده است. از روضه ششم به بعد هنوز چاپ نشده است. تصحیح و تعلیق روضه هفتم که در شرح حال مشاهیر وزرا و امرا و برخی از خوشنویسان است، پایان نامه دکتری نگارنده می‌باشد که تلاشی در جهت احیا و بازگردانی یکی از متون ادبی دوره قاجار است.

### ج . آغاز و پایان روضه هفتم کتاب:

مؤلف، روضه هفتم را با ستایش باری تعالی و پیامبر اکرم (ص) و علی (ع) و آل پیامبر (ص) و یاران آن حضرت، به زبان عربی شروع می‌کند:

بِسْمِ اللَّهِ تَعَالَى شَأْنُهُ الْعَزِيزُ، الْحَمْدُ لِمَنْ جَعَلَ الْوُزَرَ أَرْزَاءَ لِلْأَمْرَاءِ وَ ظَهِيرًا، وَالْأَمْرَاءَ وَزَرَآ لِلْوُزَرَآ وَ نَصِيرًا. وَ الصَّلَاةُ عَلَيَّ مَنْ بَعَثَ لِعَامَّةِ الْبَرَايَا رَسُولًا وَ أَمِيرًا، وَ نَصَبَ ابْنَ عَمَّةٍ عَلِيًّا لِنَفْسِهِ صَاحِبًا وَ وَزِيرًا، وَ عَلَيَّ آلِهِ وَ أَصْحَابِهِ الَّذِينَ خَلَقَهُمْ لِعِبَادِهِ هَادِيًا وَ نَصِيرًا، مَا دَامَتِ الشَّمْسُ مُضِيئًا وَ الْقَمَرُ مُنِيرًا. (زنوزی، نسخه خطی کتابخانه ملی ملک تهران: ۸۲۹)

و با این جملات به پایان می‌رسد:

تَمَّتِ الرَّوْضَةُ السَّابِعَةُ مِنْ كِتَابِنَا الْمَوْسُومُ بِرِیَاضِ الْجَنَّةِ بِعَوْنِ اللَّهِ الْمَلِكِ الْمَنَّانِ وَیَتْلُوهُ فِي الثَّامِنَةِ ذَكَرَ نَبَذَ مِنَ الْفَوَائِدِ الْمُتَفَرِّقَةِ إِنْشَاءَ اللَّهِ تَعَالَى وَحَسَنَ تَأْيِيدُهُ. وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ خَيْرِ خَلْقِهِ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ. (همان: ۸۴۶)

#### د. نسخه های کتاب و مشخصات آنها:

نسخه های خطی موجود «ریاض الجنة» عبارتند از:

۱. نسخه خطی کتابخانه ملک به شماره ۴۳۸۰:

این نسخه را، عباس علی سلماسی، در سال ۱۲۶۵هـ ق به خط نسخ در ۸۶۴ برگ نوشته، که هر صفحه آن به طور متوسط ۴۰ سطر اصلی و ۵۳ سطر حاشیه دارد. روضه هفتم آن، ۱۶ صفحه است. این نسخه قدیم ترین نسخه است. لازم به ذکر است که در برخی کتاب ها مثل «ریاض الجنة با تصحیح علی رفیعی» در صفحه ۴۹ و «فرهنگ نام آوران خوی از نصیری و عاشر زاده» در صفحه ۳۹۴ تاریخ نگارش این نسخه، ۱۳۶۵هـ ق نوشته شده است، که ایشان نیز از کتاب الذریعه آقا بزرگ تهرانی نقل کرده اند، با تحقیق از محل نگهداری نسخه مشخص شد که تاریخ ۱۲۶۵هـ ق صحیح است؛

۲. نسخه خطی کتابخانه حضرت آیه الله العظمی مرعشی نجفی، به شماره ۷۷۲۳:

این نسخه را «حق وردی» در سال ۱۲۹۰هـ ق به خط نسخ بسیار خوانا و خوش، نوشته که صفحات آن به طور متوسط ۲۵ سطر اصلی و ۵۷ سطر حاشیه دارد. روضه هفتم این نسخه، ۲۹ صفحه است. عنوان های اصلی با مرکب آبی و اعلام و بخشی از حاشیه ها با مرکب قرمز و متن با مرکب مشکی نوشته شده است؛

۳. نسخه خطی کتابخانه ملی تبریز به شماره ۳۵۷۸، که اهدایی مرحوم حاجی محمد نخجوانی در سال ۱۳۰۰هـ ق است. برخی از صفحات این نسخه به خط نستعلیق و بعضی به خط نسخ نوشته شده است و همین نشان می دهد که چند کاتب آن را نوشته اند. این نسخه ۱۱۴۳ برگ است و روضه هفتم در ۳۲ صفحه است به قطع بزرگ و هر صفحه دارای ۵۰ سطر، که گاهی بعضی صفحات، به ۵۲ یا ۵۳ سطر نیز می رسد؛ این سه نسخه مذکور، نسخه هایی

هستند که همه روضه‌های ریاض الجنّة را دارند، و نسخه‌هایی هم وجود دارد که فقط روضه‌های اوّل را دارند، که عبارتند از:

۴. نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۲۳۴۰ که فقط روضه اوّل را دارد؛

۵. نسخه خطی کتابخانه سلطنتی «سابق» به شماره ۱۰۷۵ (کتابخانه کاخ گلستان)؛

۶. نسخه خطی به خط خوش عبدالله سلماسی، به شماره ۶۲۵۳ در کتابخانه وزارت امور خارجه.

#### ه. ارزش و اهمّیت ریاض الجنّة:

۱. «نویسنده این کتاب، دانشمند فاضلی است که در نزد علمای بزرگ تبریز، چون عبدالنّبی بن شرف‌الدّین طسوجی تبریزی به فراگیری ادبیات، ریاضیات و فقه و اصول پرداخته است و در نجف و کربلا نیز محضر علمای بزرگی چون استاد الكل، مولی محمد باقر بن محمد اکمل اصفهانی معروف به وحید بهبهانی، شارح کتاب المفاتیح و فقیه برجسته، سید علی بن محمد طباطبائی، ساکن کربلا و نویسنده کتاب شرح مختصر النّافع صغیر و کبیر که به صاحب ریاض نیز معروف است و هم چنین از محضر میرزا محمد مهدی شهرستانی مجاوری استفاده بسیاری نموده و از آنان اجازه نقل حدیث در یافت کرده است.» (همان: ۲۷)

بنابر این تصحیح و نشر کتاب چنین نویسنده فاضلی، قطعاً می‌تواند منبع غنی و موثقی برای محققان باشد.

۲. کتاب ریاض الجنّة در دورانی که کمبود کتاب و کتابخانه بود، با مطالعه چندین هزار جلد کتاب تألیف شده، لذا با در نظر گرفتن زمان تألیف، در نوع خود دائرة المعارف بی‌نظیری است و به صورت نسخه خطی قبل از تصحیح مورد استفاده دانشمندان و مورخان زیادی قرار گرفته است، ولی چون نسخ خطی به آسانی قابل تهیّه و مطالعه نیست و امکان دستیابی به این نسخ برای محققان دشوار است و هم چنین قدمت رسم الخط و شیوه قدیمی نگارش آن، طالبان آن را با دشواری روبرو می‌کند، این همه اهمّیت تصحیح این کتاب را آشکار می‌کند.



۳. از آنجا که گردآوری اطلاعات در یک موضوع خاص، مثلاً: زندگی نامه و کارنامه عملکردهای یک وزیر از منابع متعدّد، مشکل خاصّ خود را دارد و مراجعه به منابع بسیار زیادی را می‌طلبد، لذا مؤلف این کتاب با گردآوری اطلاعات ضروری در مورد هر یک از وزیران دوره‌های پیشین از منابع متعدّد، هم کار تحقیق را برای دیگر پژوهشگران آسان کرده و هم با اخذ وانتقال اطلاعات از کتاب‌های تاریخی قدیمی به دوره خود، در حفظ آثار پیشینه و اطلاعات مربوط به ادوار پیشین گام چشمگیری برداشته است.

۴. یکی دیگر از وجوه اهمّیت این کتاب، علی‌الخصوص کتاب‌های تاریخی، صحت مطالب و امانت‌داری نویسندگان آن است. به طوری که در کتاب ریاض الجنّة، مؤلف در جای جای کتاب، به هنگام ذکر اطلاعات در موردی خاصّ، نام ناقل مطلب و گاهی هم نام کتابی که مطلب از آن ذکر گردیده، را بیان می‌کند، به این ترتیب، هم موجب ارتقای اعتبار علمی کتاب خود و هم موجب افزونی اعتماد خواننده نسبت به مطالب کتاب می‌گردد. به عنوان مثال؛ در ذکر آل برمک می‌نویسد: «محمد بن عبدالرحمن الهاشمی می‌گوید که بعد از قتل آل برمک، روز عید وارد خانه مادر خود شدم، دیدم که در نزد او زنی نشسته، در کمال فلاکت و پریشانی است، مادرم گفت: . . .» (ص ۱۷، س ۱۵-۱۴) و یا در مورد ذکر احوال ابن العلقمی می‌نویسد: «شیخ ابوالحسن صنعانی کتاب عباب زاخر و لباب فاخر نیز به نام او نوشته و در خطبه آن، فصلی در بزرگی و فضل او ذکر نموده و در ضمن آن گفته، بیت . . .» (ص ۲۳، س ۱۳-۱۱)

### رسم الخطّ و ویژگی‌های نگارش نسخه:

۱. در نسخ م و وت «یای نکره» در کلمات مختوم به «های غیر ملفوظ» به صورت «ء» بالای «ه» نوشته شده است: پاره، حلیه؛ ولی در نسخه ملک به صورت «پاره ای» و «حلیه ای» نوشته شده است؛

۲. «نه» نفی، در نسخه آیه الله مرعشی نجفی جدا از فعل نوشته شده است: نه نمود؛

۳. وصف عددی «یک» و «پنج» به کلمات بعد از خود متصل نوشته شده است: یکم‌تبه، یکراه، یکچشم، پنجسال؛

۴. حرف «گ» به صورت «ک» نوشته شده است: ناکاه، نکین، نکردیده، روزکار، سعدبن زنگی، درکاهش؛
۵. «بی» به کلمه بعد از خود متصل نوشته شده است: بیمثال، بیواسطه، بیشمار، بیجهتی؛
۶. حرف نشانه «را» به کلمه قبل از خود متصل نوشته شده است: ترا، مرا، آنرا، غلامیرا (در نسخه ت)؛
۷. برخی از کلماتی که دو جزئی هستند، به صورت متصل نوشته شده‌اند: عالیمقدار، سلطانحسین، صرفنمودی، حقتعالی، صاحبدیوان، مشرفشد؛
۸. «آن» و «این» به کلمه بعد از خود، متصل نوشته شده است: آنرقعه‌ها، آنعهد، آنولایت، اینغزل، اینقصیده، اینکلمات؛
۹. حرف اضافه «به» در نسخه های «م و ت» به کلمه بعد متصل نوشته شده است: باضطرار، بعون، بذکر، بضرب، بهیچ، بهفتاد؛
۱۰. «می» به فعل بعد از خود متصل نوشته شده است: مینمود، میرفتند، میفرمود؛
۱۱. در نسخ، اغلب «است» بدون همزه نوشته شده و با کلمه ماقبل خود متصل نوشته شده است: کدورتست، توست؛ در نسخ م و ت «توست» به صورت «تست» نوشته شده است؛
۱۲. در برخی کلمات نوشتن همزه در نسخه ها مختلف است:
- در نسخه ملک «نشأ»، در نسخه مرعشی «نشاء»، در نسخه تبریز «نشأ» نوشته شده است؛
۱۳. می «می آید» در نسخه ملک به صورت جدا، و در نسخ م و ت چسبیده و باهمزه، به صورت «میآید» نوشته شده است؛
۱۴. در کلماتی که به «ه» غیر ملفوظ ختم شده اند، با متصل شدن به «ان» جمع، «ه» غیر ملفوظ حذف نشده است: ایستاده گان، بزرگان زاده گان، وزیرزاده گان؛
۱۵. در کلماتی که به «ه» غیر ملفوظ ختم شده‌اند، با متصل شدن به «ها» جمع، «ه» غیر ملفوظ حذف شده است: کیسها، رقعها، مهرها (مهره ها)، زلزلهها، فتنها؛
۱۶. در نسخه مرعشی، کلماتی مثل: «اردو»، «ازبک»، «دچار» به صورت «اوردو»، «اوزبک»، «دوچار» نوشته شده است؛

۱۷. فعل مضارع اخباری به جای جزء پیشین «می»، با جزء پسین «ی» نوشته شده است: نمودی، افتادی، نکردی، نبودی، نکردندی؛  
 ۱۸. «چه ها» در نسخ به صورت «چها» نوشته شده است.

### سبک نگارش ریاض الجنّة:

عصر زندگی میرزا حسن، همزمان با ظهور قاجار بوده، که یکی از دوره های پر رونق تذکره نویسی در ایران است.

در این دوره، معیار برای سخن شناسی نویسندگان، شرح حال نویسی بود. محتوای تذکره ها، نشانگر ذوق لطیف ایرانی بود که نویسندگان تذکره ها با هدف ماندگاری نام انسان ها، نام خودرانیز ماندگار می کردند. یکی از علل ماندگاری نام چنین نویسندگان اینست که آثار آنها از لحاظ ادبی و فکری و زبانی خصوصیات منحصر به فردی دارد. اینک کتاب ریاض الجنّة زنوزی در سه سطح فکری، زبانی و ادبی بررسی می شود:

### ۱- سطح فکری

تاریخ نگاری عمومی، یکی از سبک های تاریخ نگاری در ایران است که از قرن چهارم تا دوره قاجار ادامه یافت. مؤلفان این آثار، تفکر اسلامی داشتند و در تألیف تاریخ، بیشتر به روایت های ایرانی و اسلامی توجه داشتند. این مورخان آثار خود را از خلقت عالم آغاز می کردند و پس از شرح آفرینش آدم و سرگذشت پیامبران، به تاریخ اساطیری ایران از کیومرث می پرداختند و همچنین تاریخ اسلام را از زندگی پیامبر (ص) و تاریخ سلسله های ایرانی را تا عصر خود می نوشتند.

عصر میرزا حسن که مصادف بود با ظهور قاجار و حاکمیت دنبلی ها در آذربایجان، دوره هنر نمایی شاعران و نویسندگان در تاریخ نگاری و تذکره نگاری بود.

«از عوامل اصلی رشد تذکره نویسی در این عصر، علاقه مفرط پادشاهان قاجار بویژه فتح علی شاه به مسایل ادبی و توجه به شعر و ادب و تخلید نام خویش به عنوان حامی بلامنازع ادبیات بود.» (فتح علی شاه قاجار، ۱۳۷۰: ۳۲)

علی‌رغم رشد نهضت تذکره نویسی در عصر قاجار، آثار این دوره از تاریخ ادبی ایران که بیشتر در مورد شعرا و نویسندگان نوشته شده اند، «پر از بی‌بند و باری‌ها است.» (گلچین معانی، ۱۳۴۷: ۱۷۳) «تذکره‌های فارسی این عصر، مملو از عبارت پردازی‌ها و لفاظی‌های چاپلوسانه است.» (آرین پور، ۱۳۵۷: ۱۹۲)

میرزا حسن نیز در ریاض الجنه که خود تذکره ای بسیار مفصل محسوب می‌شود، ذوق و هنر سخن پردازی خود را به تصویر کشیده است و با وجود اینکه تذکره‌های فارسی در این عصر، پر از عبارت پردازی و لفاظی‌های چاپلوسانه بود، وی در اثر خود راه اعتدال را پیش گرفته و فقط به شعرا و نویسندگان اختصاص نداده و اثر خود را در یک مقدمه وهشت روضه و یک خاتمه، تألیف کرده است.

مؤلف در روضه هفتم در مورد وزرا و امرا و برخی خوش نویسان، مطالب تاریخی ارزنده‌ای با ذکر منبع، ذکر کرده که برخی از مهم‌ترین آنها به شرح زیر است:

۱. شرح حال آل برمک و علت نامگذاری آنها به «برمک» و حوادث تاریخی مهم و حکایاتی در مورد آل برمک و هارون؛ (ص ۱۹-۴)
۲. فضایل و کمالات ابن علقمی قمی، وزیر مستعصم عباسی، ابن العمید القمی وزیر آل بویه، ابن مقله وزیر بزرگ بنی عباس با حوادث دورانشان؛ (ص ۲۹-۲۳ و ص ۳۱-۳۰)
۳. حوادثی از دوران امارت ابودلف، از امرای زمان مأمون و معتصم؛ (ص ۳۸-۳۱)
۴. شرح حال انوشیروان؛ (ص ۵۲-۵۱)
۵. حوادث مهمی از دوران وزارت خواجه رشیدالدین فضل الله همدانی؛ (ص ۵۹-۵۶)
۶. شرح حال برخی از وزیران مغول مثل: عظاملک جوینی و شمس الدین محمد جوینی و حوادث تاریخی مهمی از آن دوران؛ (ص ۸۷-۶۴)
۷. شرح حالی از اسفرائینی وزیر سلطان سبکتکین؛ (ص ۲۰۶-۱۰۵)
۸. حوادث مهمی از دوران وزارت فضل بن ربیع، وزیر هارون الرشید و فضل بن سهل ذوالریاستین وزیر مأمون؛ (ص ۱۱۳-۱۰۷)
۹. شرح حال احمد بن حسن میمنندی؛ (ص ۱۳۵)
۱۰. حوادث مهم تاریخی از دوران وزارت خواجه نظام الملک. (ص ۱۵۶-۱۳۹)

## ۲. سطح زبانی

در ریاض الجنّة سه شیوه ساده و بینابین و مصنوع دیده می‌شود، در مجموع می‌توان مختصات زیر را برای نثر آن برشمرد:

۱. وفور لغات، ترکیبات و عبارات عربی، مانند: ازالال (ص ۲۷، س ۹)، مأسور (ص ۲۵، س ۴)، علیق (ص ۲۷، س ۱)، اضاعت (ص ۲۷، س ۶)، مستعیر (ص ۳۰، س ۱۹)، ادنی ثمنی (ص ۱۴، س ۲۰) جامعه مصبوغ به معصفر (ص ۱۵، س ۷)، کامل الریاسة و جلیل المقدار (ص ۲۸، س ۱۴)، شیعی صلب و مشید النطاق، (ص ۳۰، س ۶)، کثیر الصلّات والصدقات (ص ۴۰، س ۴)؛
۲. استفاده از لغات ترکی، مانند: یاسا (ص ۲۴، س ۱۴)، قلقچی (ص ۲۷، س ۱۵)، طغار (ص ۲۸، س ۳)، اردو (ص ۲۸، س ۵)، خان (ص ۵۹، س ۷)، یرلیغ (ص ۶۶، س ۱۴)، ایلچی (ص ۶۷، س ۲۰)، خاتون (ص ۱۴۷، س ۲)، تمغاج (ص ۱۴۸، س ۲)؛
۳. وفور جمع مکسرهای کم استعمال، مانند: اساطین (ص ۳۱، س ۱۲)، دکاکین (ص ۸۳، س ۱۳)؛ فرادیس (ص ۸۵، س ۷۸)، روابط (ص ۹۲، س ۱۳)، خوانق (ص ۹۲، س ۱۳) براری (ص ۹۳، س ۱۰) بروات (ص ۱۵۳، س ۱۳)؛
۴. استفاده از «ی» به جای «می» در ماضی استمراری، مانند: نکردندی (ص ۲۷، س ۱۳)، انداختندی (ص ۲۷، س ۱۴)؛
۵. آوردن صفت مؤنث برای جمع مکسر و موصوف مؤنث، به شیوه زبان عربی، مانند: کتب نفیسه (ص ۲۳، س ۷)
- قصاید لطیفه (ص ۲۳، س ۸)، روضات سابقه (ص ۲۴، س ۹)، روضه سابعه (ص ۱۶، س ۶)، خزانه عامره (ص ۲۴، س ۳)؛
۶. حذف فعل به قرینه لفظی، مانند: «یحیی به حلیه فضل و سخاوت و بذل و سماحت آراسته بود و از سمات اعمال ناشایسته، پیراسته» (ص ۶، س ۸)، «بهای آن دهی که اخت ده تست چند است؟ گفت: ده هزار درهم (ص ۳۲، س ۵)؛
۷. آوردن موصوف و صفت مقلوب، مانند: اشهر اسماء، ادنی ثمنی (ص ۱۴، س ۲۰)، غریب حالات (ص ۱۶، س ۱۶)، نیکو خدمتی (ص ۲۱، س ۷)؛

۸. وفور جمع های مکسر عربی، مانند: برسطوح حیطان وصحایف ابواب بیوتات ومدارس ومرابط به اقلام مختلفه، عقاید متفقه می نوشتند. (ص ۲۷، س ۱۰)، در سلک وزرای عظام واعاظم فضلالی کرام، انتظام داشت. (ص ۳۰، س ۱۳)؛

۹. آوردن الف لام عربی بر سر کلمات فارسی، مانند: حسب الفرموده (ص ۱۶، س ۹)، حسب الفرمان (ص ۱۵۹، س ۱۲)؛

۱۰. استعمال افعال به صورت «وجه وصفی»، مانند: پس من شکر گزاری به تقدیم رسانیده، او را بر آوردن وجه مذکور مطلع ساختم. (ص ۷، س ۱)، از کمال نخوت روی به دیوار کرده، من در پایان صفة ایستاده، سلام کردم. (ص ۷، س ۲)؛

۱۱. استعمال «نمودن» در قسمت فعلی افعال مرکب در معنی مجازی، مانند: «سلطان ستایشها نمود» (ص ۴۳، س ۷)، «اوقاتش را در مطالعه علوم معقول و منقول صرف نمود» (ص ۵۲، س ۱۸)؛

۱۲. استعمال شکل قدیمی افعال، مانند: شنودن به جای شنیدن، «باز جواب نشنودم» (ص ۸، س ۱)؛ برجستن به جای پریدن، «جعفر که این راشنید باکمال اضطراب از جا برجست» (ص ۱۴، س ۲۰)؛

۱۳. استعمال افعال ماضی با «باء تأکید» مانند: «عبدالملک را ببوسید» (ص ۱۲، س ۱۷)، «جثه اش را بسوختند» (ص ۱۶، س ۱۸)، «چون این خبر بشنید عرق غضبش جنبید» (ص ۱۸، س ۶)؛

۱۴. استعمال شکل لازم فعل به جای شکل متعدی آن، مانند: «جثه اش را بسوختند» (ص ۱۶، س ۱۸)، «بهای نطف و بوریا که در همان سال جعفر را به آن سوختند، چهار درم ونیم دانگ بود» (ص ۱۶، س ۲۱).

۱۵. آوردن صفت مبهم بعد از اسم، مانند: نقد چندین، قماش چندین، فرش و عطریات چندین (ص ۱۶، س ۱۷)

### ۳. سطح ادبی

ریاض الجنه، نوعی تذکره مفصلی است که در عصر قاجار، دوره طلایی تذکره نویسی، نوشته شده است. در این عصر در تذکره های فارسی، افراطها و لفاظی های چاپلوسانه زیادی صورت گرفته است که باعث ایجاد آشفتگی در آثار این دوره از تاریخ ادبی ایران شده است. با

وجود این، میرزا حسن زنوزی در ریاض الجنّة در لفاظی و عبارت پردازی، راه افراط را پیش نگرفته است. به طور کلی می‌توان مختصات ادبی زیر را برای نثر او شمرد.

۱. در آمیختگی نظم و نثر، مانند: «مولانا جلال الدین عتیق در تاریخ فوت خواجه رشید گفت:

رشید ملّت و دین چون رحیل کرد به عقبی نوشت منشی تاریخ او که طاب ثراه»

(ص ۵۸، س ۷)

۲. استشهاد به آیات قرآن که باعث حلاوت نثر او شده است، مانند: و از جمله رقعهای که به برادر نوشته مصدر به این آیه ساخت که «یا لیت قومی یعلمون بما غفر لی ربّی و جعلنی من المکرمین» (ص ۶۷، س ۴)، «که از صدمت غضب رشید سمت جعلنا علیها سافلها پذیرفته بود» (ص ۱۸، س ۵)، خود را در زمرة الذین ینفقون عهد اللهم بعد میثاقه داخل گردانی (ص ۱۴۲، س ۱۸)؛

۳. استفاده از اشعار فارسی و عربی در جای خود و بسیار مناسب که باعث شیوایی نثر او شده است؛ مؤلف اشعار فراوانی از شاعران مشهوری چون: معزی، ابو بکر بن نطاع، علی بن جبله، بکر بن نطاع و ... در اثنای مطالب کتاب ذکر کرده است؛ مانند: «و سلطان نیز در شوال همان سال در بغداد در گذشت و معزی در آن باب گفت، نظم:

رفت در یکم بفر دوس برین دستور پیر شاه برنا از پی او رفت در ماه دگر

کرد ناگه قهر یزدان عجز سلطان آشکار قهر یزدانی بین و عجز سلطانی نگر

و یکی از فضلا در مرثیه خواجه گفت:

کان الوزير نظام الملك لؤلؤة نفیسة صاغها الرحمن من شرف

عزت فلم تعرف الأيام قيمتها فردّها غیره منه الى الصّدف»

(ص ۱۴۹، س ۵-۱)؛

۴. استفاده از جملات معترضه و دعایی، مانند: خدا تو را خیر ندهد (ص ۸، س ۳)، لله الحمد

(ص ۲۳، س ۲۰)، لعن الله من لا یلعن ابن العلقمی (ص ۲۷، س ۱۰)؛

۵. استفاده از صنایع بدیع، مانند: انواع سجع؛

سجع مطرف: «من از اختلال حال، اهل و عیال بر داشته، خود را به دار السلام رسانیدم» (ص ۱۸، س ۱۱)؛

سجع متوازن: «بدین وسایل نسایج طبع خویش را به مدایح سلاطین مطراً و مطرز داشته،» (ص ۴۳، س ۱۶)؛

سجع متوازی: «با انواع امتعه واصناف اقمشه و اطعمه می گذاشتند» (ص ۸۳، س ۲۱-۲۰)؛  
جناس تام، مثل: «چون رشید آن فضل فضل شنید» (ص ۱۹، س ۱۵)، «چون راضی خلیفه به طلب او راضی نبود» (ص ۳۰، س ۱۸)؛

جناس زاید: «قبل از حصول محصول، اموال آن ولایت از روی عداوت حواله به پدرم نمود» (ص ۷، س ۳)، «روزی با جعفر بن یحیی در خلوت خانه او به صحبت و شرب شراب مشغول بودیم» (ص ۱۲، س ۸)، «از بی اعتباری دنیای دنی متحیر ماندم» (ص ۱۷، س ۱۶)؛  
جناس خطّ: «که محط امال و منخط اقبال و محظ افضال و مرتع روایع فضل و مربع بدایع علوم...» (ص ۷۲، س ۲-۱)، «غرض از عرض این کلمات آنکه ...» (ص ۱۴۳، س ۸)، «فرار را بر قرار اختیار کرد» (ص ۱۴۶، س ۳-۲)، مدّت مقارنت ما و مقاربت ایشان غایتی و نهایی ندارد؛ (ص ۱۵۹، س ۱۲)

جناس مکرر: «چندین حصن حصین در ولایت شام ساخته بود» (ص ۵۵، س ۱)، «منظور نظر عنایت ما بیشتر از پیشتر گشتی» (ص ۶۶، س ۱۵) «به استعمال خنجر منجر شد...» (ص ۱۴۶، س ۱۴)؛

جناس مطرف: «آخر سهام مکاید او بر هدف مراد و مراد آمده» (ص ۱۴۷، س ۵)؛  
جناس مضارع: «از غصّه این قصّه به فراغت در بستر استراحت نیاسوده» (ص ۲۳، س ۱۷)، «در حقایق علوم عربیت ماهر و دقایق حکم و فنون عقلیه بر طبعش ظاهر بود» (ص ۲۸، س ۱۲)؛  
جناس لاحق: «از فسحت معموره حیات به وحشتخانه مطموره ممانت پیوستند» (ص ۸۳، س ۶)، «...مودود با جنود نامعدود به عزم رزم سلاجقه از غزنین بیرون آمده» (ص ۸۹، س ۱۲)؛

موازنه: «به طلاقت لسان و فصاحت بیان و حسن خلق و لطف طبع و سلامت نفس و استقامت ذهن مشهور گردید» (ص ۵۱، س ۱۱)، «به زواجر عقل و حواجز شرع و مراسم عرف منزجر



و مرتدع نگردد» (ص ۸۳، س ۱۴): «او به علو همت و سمو رتبت و لطف گفتار و حسن کردار و صورت خوب و سیرت مر غوب اتصاف داشت» (ص ۴۰، س ۹)؛

اشتقاق: «به سلسله تهدید سوار صفت مسور گردانیدند» (ص ۷۷، س ۱۹)، «گوش روزگار را به شنف رقیّت مشنّف ساختی» (ص ۷۷، س ۱۸)، «مکتوبی مختوم به خاتم خلیفه به من داد» (ص ۱۶، س ۵)؛

شبه اشتقاق: «معتصم از کمال محبت زر و سیم، به مکر و تزویر وزیر پی نبرده، راضی شده ...» (ص ۲۴، س ۴)، «رتبه شعراز شعری و کار نثر از نثره برگذرانید» (ص ۷۱، س ۱۲)، «و زبان عقل، ویل و عویل را می سرايید» (ص ۷۷، س ۱۹)، «امیر مذکور حامی اهل ایمان و ماحی رسوم کفر و طغیان بود و ...» (ص ۸۸، س ۱۲-۱۱)؛

واج آرایبی: «طایفه‌ای از حرسه به سبیل عسس طوف می کردند» (ص ۸۴، س ۲)، «شهباز فضای فضل و کمال و شاهین تیز پرواز هوای محبت علی (ع) ...» (ص ۸۸، س ۱۰)، مرقوم رقم قلم گردانیده (ص ۱۴۱، س ۴-۳)، «وزرای عظام و اعظام فضلائی کرام، انتظام داشت» (ص ۳۰، س ۱۳)؛  
تنسیق الصفات، مثل: «او مرد عاقل مهیب عظیم الخلقه کریم شیعی مذهب بود» (ص ۵۱، س ۱۶)، «مرد فاضل کامل عاقل شاعر در فن وزارت شهم شجاع کافی بود» (ص ۵۳، س ۱۳)؛

تضاد: «در آن ایام که شمس الدین خاطر اکابر و اصاغر را به وزارت خود مایل گردانید» (ص ۴، س ۱۲)، «زمام رتق و فتق و حلّ و عقد امور ممالک در قبضه اقتدار یحیی و اولادش بود» (ص ۶، س ۱۱) «صبح اقبال به شام ادبار تبدیل یافت» (ص ۱۸، س ۱۰)؛

توصیف، مثل: «در چنین مجلسی ساقیان سیم عارض یاقوت لب، شراب خاص مروق بر دست بلورین نهاده و مطربان، بلبل الحان زهره را از افق طارم سیم گوشه چادر گرفته، کهکشان در میان حلقه کشیده، ...» (ص ۷۲، س ۱۷-۱۵)، «غلامان پریوش با جامهای زرکش بر اسبان تازی و باد پایان شامی و حجازی سوار ساخت و خرگاه چهل سری و بارگاه اطلس ششتری تا ذروه آسمان بر افراشت و ...» (ص ۶۶، س ۵-۴)؛

مراعات نظیر، مثل: «با عیال واطفال و جهات و اموال به دمشق که دار الملک بنی امیه بود، توجه نمود» (ص ۴، س ۵)، «آنچه امروز در تحت تصرفات از املاک و اسباب و نقود و اجناس و دواب و جواری و عبید، نواله‌ای از خوان انعام پادشاه است» (ص ۶۶، س ۲۰)؛

نقاشی زبان، تصویر سازی: «در صدر ایوان بر مفارش تکیه زده، موی سروریش خود را به مشک معطر می‌کند و ایستاده، سلام کردم» (ص ۷، س ۱۴-۱۳)، «یکی از ایشان به نیزه زد که سنان نیزه از سینۀ او بیرون رفته، بر پشت دیگری که پیش پیش او می‌رفت، خورده، هردو به یکبار از اسب دریافتادند» (ص ۳۲، س ۱۰)؛

ایجاز: «هر آینه در دولت ابد پیوند من و برادر و فرزند، بستیدم و دادیم و برداشتیم و نهادیم و خوردیم و بردیم» (ص ۶۶، س ۱۹)؛

مبالغه: «از هیبت باس او شیر عرین تن برو به بازی داده» (ص ۸۲، س ۱۸)، رتبه شعر از شعری و نثر از نثره برگذرانید، اجرام آسمانی در ازای لطافت طبعش کشفی حایل و سلسال حیوان از شرم رشحات کلکش به کدورت مایل» (ص ۷۲، س ۱۲)؛

کنایه: «او را سر دادم» (ص ۱۴، س ۴)، «آنگاه مجلس از هم ریخته» (ص ۱۸، س ۱۲)، داغ اخلاص امیر المؤمنین بر جبین دارند» (ص ۲۴، س ۱)، «همینکه آن مصلحت کفایت شدی، او را از نظر انداختندی» (ص ۲۷، س ۱۴) «لشگر خواب درو بام شهرستان دماغش محکم فرو گرفته» (ص ۸۴، س ۱۱)؛

۶. کاربرد کنایات فعلی، مانند: «در بذل اموال و ایثار درم و دینار ید بیضا نمودند» (ص ۶، س ۱۳) «زیاده بر سایر اخوان، رایت نیابت و تقرّب می‌افراشت» (ص ۱۲، س ۱۶)، «آنچه در وزارت مرا دست داد» (ص ۵۷، س ۱۳)، «در مصیبت آن وزیر پاک ضمیر، علمای اعلام را تاج مکرمت از سر بیفتاد» (ص ۶۰، س ۱)؛

۷. در آمیختگی عربی و فارسی در نثر، مانند: «آن حضرت به خادم گفت: قَرَّبَ مِنِّي السَّرَاجُ، چون خادم چراغ را به نزدیک آن حضرت آورد ... حضرت فرمود: قَدْ رَأَيْتَ الْجَوَابَ ...» (ص ۳۹، س ۸۹) «استاد ازو پرسید که بغداد را چون دیدی؟ صاحب گفت: البغدادُ فی البلادِ کالاستاد فی البلادِ» (ص ۲۹، س ۱-۲).

## نتیجه گیری

عصر قاجاریه از دوره‌هایی بود که تذکره نویسی و تاریخ نگاری، در بین نویسندگان، وسیله‌ای برای نمایان کردن ذوق و قریحه آنان به شمار می‌رفت. مورخان عصر قاجار از متون گذشته الگوگزینی کردند، مؤلف اثر نیز در ثبت و بیان رخدادهای تاریخی به متون متقدم متوسل شده و به الگوبرداری از آنان پرداخته است.

اثر وی دارای سبکی ساده و گاهی مسجع است که اصطلاحات و ترکیبات و جملات عربی فراوان در آن وجود دارد. بخش اعظمی از کتاب به زبان عربی است و اشعار عربی فراوانی در اثنای آن ذکر شده است.

در مورد محتوای این اثر، باید گفت که نویسنده بعد از ذکر معانی اصطلاحاتی چون وزیر، دستور، صاحب و... به شرح حال وزرا و امرا و خوشنویسان مشهوری چون آل برمک، ابودلف، انوشیروان و ... می‌باشد.

از نظر ادبی نثر وی از ویژگی‌های بلاغی بالایی برخوردار است، برای این منظور، نویسنده نه تنها از آرایه‌های ادبی فراوان استفاده کرده، بلکه با آمیختگی نظم و نثر و استشهاد به آیات و احادیث، حلاوت خاصی به اثر خود داده است.

از آنجا که در کتاب‌های تاریخی صحت مطالب و امانت‌داری نویسنده بسیار اهمیت دارد، کتاب ریاض الجنّة هم از آثاری است که مؤلف در جای جای آن، به هنگام ذکر اطلاعات، نام ناقل آن و یا نام کتابی که از آن ذکر گردیده، را بیان می‌کند؛ به این ترتیب موجب افزونی اعتماد خواننده نسبت به مطالب کتاب می‌گردد.

## منابع و مأخذ:

- ۱- آراین پور، یحیی، (۱۳۸۲)، از صبا تانیم، تهران، ناشر زوار، چاپ هشتم.
- ۲- ریاحی، محمد امین، (۱۳۷۲)، تاریخ خوی، تهران، انتشارات توس، چاپ اول.
- ۳- زنوزی خویی، محمد حسن، ریاض الجنه، نسخه خطی کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
- ۴- \_\_\_\_\_، ریاض الجنه، نسخه خطی کتابخانه ملی تبریز.
- ۵- \_\_\_\_\_، ریاض الجنه، نسخه خطی کتابخانه ملی ملک تهران.
- ۶- \_\_\_\_\_، (۱۳۹۰)، دیوان فانی خویی، تصحیح شهریار حسن زاده، تهران، میراث مکتوب، چاپ اول.
- ۷- \_\_\_\_\_، (۱۳۷۰)، ریاض الجنه، بخش اول روضه چهارم، تحقیق علی رفیعی، قم، مکتب آیه الله مرعشی نجفی، چاپ اول.
- ۸- صفوت، محمد علی، (۱۳۷۶)، داستان دوستان (تذکره شعرا و ادبای آذر بایجان)، به کوشش طباطبایی مجد، تبریز، نشر ابو، چاپ دوم.
- ۹- فتحعلی شاه قاجار، (۱۳۷۰)، دیوان اشعار، تصحیح حسن گل محمدی، تهران، انتشارات اطلس، چاپ اول.
- ۱۰- گلچین معانی، احمد، (۱۳۶۳)، تاریخ تذکره‌های فارسی، تهران، نشر سنایی، چاپ دوم.
- ۱۱- لغت نامه دهخدا.
- ۱۲- مدرس، محمد علی، (۱۳۶۹)، ریحانه الادب، تهران، انتشارات خیام، چاپ سوم.
- ۱۳- نخجوانی، حسین، (۱۳۴۳)، چهل مقاله، به کوشش غلامرضا طباطبائی، تبریز، انتشارات آیدین، چاپ دوم.
- ۱۴- نصیری، بهروز؛ عاشر زاده، زهرا، (۱۳۸۲)، فرهنگ نام آوران خوی، خوی، انتشارات قراقوش، چاپ اول.